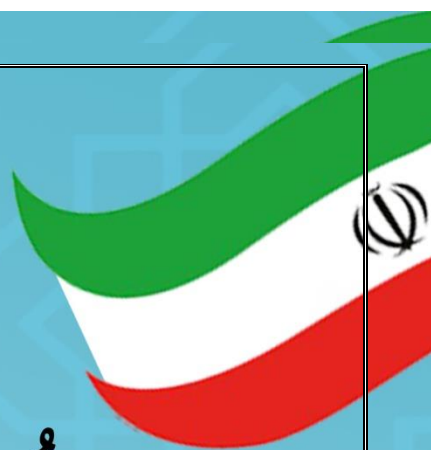




حَمَلُوا بِصَائِرَهُمْ عَلَى أَسْيَافِهِمْ

نشریه الکترونیکی بصائر

ضمیمه شماره: (۲۲)

با موضوعات:

پرسمان سیاسی

(هفته دوم آبان ماه ۱۴۰۳)



معاونت تبیین و گفتمان سازی

رویارویی رژیم صهیونیستی با محور مقاومت در دو عرصه قابل تحلیل و بررسی است. در عرصه نظامی و امنیتی؛ رژیم صهیونیستی با وجود تمام جنایات، ترور فرماندهان مقاومت و قتل و کشتار کودکان و زنان نه تنها به هیچ از اهداف شوم خود نرسیده بلکه در مقابل گروه حماس و منطقه محدود و تحت محاصره غزه از یک سو و حزب الله لبنان از سوی دیگر با شکست سنگین مواجه شده است.

در عرصه عملیات روانی و جنگ شناختی، افکار عمومی مورد هدف دشمن است و انگاره‌هایی که در این رابطه تولید و به سان گلوله‌های جنگی به اذهان شلیک می‌شود. و شبهات و ابهاماتی را در افکار عمومی و در سطوح مختلف سرمایه اجتماعی نظام تولید می‌نماید. در حقیقت دشمن در این عرصه به دنبال جبران شکست‌های متعدد خود در جبهه نظامی و امنیتی بوده و سعی دارد با ترورهای کور و جنگ روانی و شناختی پس از آن، اینگونه القا نماید که دست برتر را در میدان دارد. در صورتی که واقعیت میدان غیر از این می‌باشد.

بر همین اساس ضرورت دارد نسبت به شناسایی و پاسخگویی مناسب به سؤالات و ابهامات در خصوص جنگ غزه اقدام گردد.

در همین راستا ضمن جمع‌آوری مهم‌ترین سؤالات و شبهات مربوط به جنگ غزه، پاسخ این سؤالات را در مجموعه حاضر آماده و با عنوان پرسمان سیاسی ثامن ویژه عملیات وعده صادق منتشر می‌نماید.

بیان نقطه نظرات و پیشنهادات شما بزرگواران عرصه جهاد تبیین، می‌تواند در بهبود و غنا بخشی به محتواهای سازمان کمک شایانی کند.

۱. چه ضرورتی دارد که جمهوری اسلامی ایران با وجود مشکلات داخلی و تحریم‌ها از فلسطین حمایت می‌کند؟

رژیم صهیونیستی یکی از هم‌پیمانان دائمی رژیم پهلوی بود و بسیاری از مناسبات منطقه‌ای با هماهنگی این دو بازیگر و با نظارت و مدیریت آمریکا صورت می‌پذیرفت. یکی از اولین پیامدهای پیروزی انقلاب اسلامی، لغو همه‌جانبه مناسبات با این رژیم، و تشکیل سفارت کشور فلسطین در تهران بود. حمایت جمهوری اسلامی از مردم فلسطین، یک حمایت راهبردی و درازمدت است که با وجود تفاوت در جهت‌گیری دولت‌ها، هیچ‌گاه تغییر نکرده است. این حمایت بلندمدت و راهبردی حداقل با سه دلیل از سوی جمهوری اسلامی دنبال شده است: ۱- در تفکر اسلامی، مسلمانان یک امت واحد هستند و مرزهای جغرافیایی، زبانی، رنگ و... محدوده‌های اعتباری هستند که سبب جدایی آنها از یکدیگر نیست. اسلام همه انسان‌ها را در مقابل یکدیگر مسئول و پاسخگو می‌داند و دفاع از مسلمانان و هر مظلومی، بر هر مسلمانی واجب دانسته شده است. در قانون اساسی ایران- که بر اساس اصول اندیشه اسلامی و ارزش‌ها و تکالیف آن بنا نهاده شده است- حکومت نباید در قبال کشتار و تضییع حقوق مسلمانان بی‌گناه و مظلوم و اشغال سرزمین‌های آنان بی‌توجه باشد و سکوت کند. بر این اساس، برای ایران تنها مردم فلسطین موضوعیت ندارند؛ بلکه هر کس و جامعه‌ای که مصداق این موضوع قرار گیرد، به دلیل این وظیفه اسلامی مورد حمایت جمهوری اسلامی ایران قرار خواهد گرفت. از طرفی در اندیشه اسلامی مقابله با استکبار و ظلم وظیفه مسلمانان است و به دلیل این اصل مهم، این موضوع در قانون اساسی (اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران) نیز گنجانده شده است و نهادهای جمهوری اسلامی ایران موظف به عمل به آن هستند. دومین دلیل حمایت ایران از فلسطین، وظیفه انسانی است؛ حتی اگر اسلام حمایت از مظلوم را بر عهده مسلمانان نگذاشته بود، انسانیت و اخلاق حکم می‌کند از مظلوم حمایت و جلوی ظلم گرفته شود. البته اسلام هم چون طرفدار و مدافع اخلاق و انسانیت است، دفاع از آن را وظیفه دانسته است.

رژیم جعلی صهیونیستی، دشمن مشترک ایران و فلسطین است و این یکی دیگر از دلایل حمایت ایران از فلسطین است. مردم ایران قربانی دائم توطئه‌های رژیم صهیونیستی بوده‌اند. حمایت از صدام در جنگ، ترور دانشمندان و مسئولان فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای ایران، هواپیماربایی، مشارکت فعال در بمب‌گذاری‌ها و انفجار و ترورها علیه ایران، جاسوسی و ایران‌هراسی در دنیا، بخشی از این توطئه‌ها و جنایت‌هاست؛ بنابراین تقابل ایران با رژیم صهیونیستی، از جایگاه یک قربانی و برای حفظ منافع ملی خود و یک اقدام متقابل است و از طرفی برخلاف القائنات رسانه‌های جریان سلطه که سعی دارد مواضع بین‌المللی ایران را بر اساس طایفه‌گرایی مذهبی نشان دهند، این حمایت و تقویت دائم مردم فلسطین- که بیشتر آنها و جریان فعال سیاسی آنها غیر شیعی هستند- نشان می‌دهد کنش ایران در این رابطه فراتر از این مسائل و فارغ از مسائل مذهبی و طایفه‌گرایی مذهبی و موضوع عرب و عجم است.

دفاع از مظلوم امر بدیهی و فطری انسان است و هیچ نیازی به اقامه دلیل و برهان یا برخورداری از دانش خاص حقوقی ندارد. باید از آنها که نه تنها سعی ندارند در این اقدام بشردوستانه مشارکت کنند؛ بلکه در آن تردیدافکنی می‌کنند، دلیل قانع‌کننده

خواست. باید از آنان پرسید که چرا حاضر نیستند از ملت مظلوم فلسطین دفاع و حمایت کنند؟ همدردی نکردن با ملت مظلوم فلسطین عوامل متعددی دارد. بارزترین این عوامل، خصلت عافیت‌طلبی برخی از آنان است. اینان از هرگونه اقدامی که به زعم‌شان دردسرها آفرین و زحمت‌زا باشد، پرهیز می‌کنند و همواره به دنبال راحت جان هستند. عامل دیگر، مصلحت‌اندیشی‌های غیرعقلانی است. به‌زعم این گروه، نفعی در این کار نیست که مجبور به حمایت شوند. عامل دیگر ترجیحات سیاسی است. برخی ذهنیت‌های تماماً سیاسی شده و کسانی که مسائل را درون چارچوب‌های قدرت تحلیل می‌کنند و موضع می‌گیرند، قادر به تفکیک امر سیاسی و دفاع از ملت‌های مظلوم نیستند؛ از این رو ترجیح می‌دهند از مظلومان مورد حمایت حاکمیت دفاع نکنند. این در حالی است که چنین رجحانی وجاهت ندارد و می‌تواند با حفظ مواضع سیاسی از ملت‌های ستمدیده حمایت کرد. البته عامل انحطاط شخصیتی نیز در این مسئله نقش دارد. قساوت قلب نسبت به مصائب بشری، بی‌تفاوتی و بی‌احساسی می‌آورد.

۲. چطور می‌گوییم رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان الاقصی شکست خورده است؛ در حالی که این رژیم در کنار بمباران وحشیانه هوایی منطقه کوچک و پرتراکم غزه وارد درگیری زمینی هم شده است؟

منظور از شکست در این خصوص، فروپاشی تصویر دروغین توانمندی اسرائیل غاصب است. صهیونیست‌ها در این سال‌ها در اذهان مردم و در افکار عمومی چند چیز را حک کرده‌اند:

۱- سازمان اطلاعاتی اسرائیل، قوی‌ترین تشکیلات جاسوسی در جهان است و بر همه چیز مسلط است.

۲- رژیم صهیونیستی ارتشی دارد که هیچ‌گاه طعم شکست را نمی‌چشد. اسرائیل قدرت تهاجمی دارد، اما نه فقط علیه فلسطینی‌ها، بلکه علیه همه کشورهای که بالقوه می‌توانند حامی مردم فلسطین باشند، وارد عمل می‌شود. بر همین اساس، در زمانی که اسرائیل با عراق، سوریه، مصر و ایران سر جنگ مستقیم نداشته است، به مراکز هسته‌ای این کشورها حمله کرده یا دانشمندان هسته‌ای این کشورها را ترور کرده است. رژیم صهیونیستی معتقد است، در کشورهای اسلامی و عربی نباید قدرتی بیشتر از قدرت اسرائیل تشکیل شود.

اما عملیات طوفان الاقصی نشان داد، سازمان اطلاعاتی اسرائیل آسیب‌پذیر است. همچنین ارتش این رژیم آن تصویری نیست که اذهان عمومی دارند و شکست‌پذیر است. ضمن اینکه کشتار هوایی غیرنظامیان و زنان و کودکان بی‌گناهی که هیچ ابزاری جنگی ندارند و کاملاً بی‌دفاع هستند، نه تنها ارزش و مزیت نظامی به شمار نمی‌آید؛ بلکه موجب آبروریزی رژیم مدعی قدرت صهیونیستی هم هست. همچنین تأخیر سه هفته‌ای و با اعمال احتیاط‌های بی‌شمار اسرائیل غاصب در ورود زمینی به داخل نوار غزه و قبل از آن ارسال پیام‌وپسغام هشدار به ایران و حزب‌الله لبنان برای عدم ورود به این درگیری چیزی جز نشانه شکست نیست. اگرچه با بمباران گسترده و کشتار غیرنظامیان و حمله به بیمارستان‌ها به ظاهر دست برتر را دارد؛ اما همین که نمی‌تواند تمام‌کننده ماجرای فلسطین که هدف غایی آنهاست باشد؛ یعنی شکست خورده است.

از دیگر دلایل شکست می‌توان این موارد را یادآوری کرد: ۱- افسانه هولوکاست که در طی بیش از هفت دهه همواره به عنوان ابزاری برای مظلومیت‌نمایی صهیونیست‌ها و پیش‌برد اهداف شوم آنها بود پس از طوفان الاقصی و جنایات

صهیونیست‌ها اعتبار دروغین خود را از دست داده و مردم دنیا دیدند که هولوکاست واقعی جنایات صهیونیست‌ها و کشتاری است که ۷۵ سال ادامه داشته است. ۲- حمایت ملت‌ها از مقاومت مردم فلسطین از آسیا تا قلب آمریکا و اروپا و آفریقا ۳- اثبات این نکته که تنها راه مقابله با رژیم صهیونیستی، مقاومت است. ۴- پیچیده‌تر شدن اختلافات درونی صهیونیست‌ها و بالارفتن حجم مهاجرت از سرزمین‌های اشغالی ۵- توقف سازش برخی حاکمان به اصطلاح اسلامی منطقه در قالب طرح آبراهام.

۳. چرا رهبر معظم انقلاب، شکست رژیم صهیونیستی در عملیات طوفان الاقصی، را ترمیم ناپذیر بیان کردند؟ ابعاد و ریشه این مسئله چیست؟

رهبر حکیم انقلاب در مراسم دانش آموختگی دانشگاه‌های افسری (۱۸ مهر ۱۴۰۲) مسئله شکست صهیونیست‌ها را متذکر شدند؛ اما نکته جدید آن بود که فرمودند: «این شکست غیرقابل ترمیم است.» اگر دقیق‌تر، فنی‌تر و علمی‌تر توضیح دهیم، این برمی‌گردد به زمانی که رژیم صهیونیستی از سوی «داوید بن گوریون» پایه‌گذاری شد. وی یک دکتربین نظامی برای این رژیم تعریف و طراحی کرد که تا روز ۱۵ مهر اصول این دکتربین کماکان برقرار بود. این اصول چهار رکن یا اصل داشت که بن گوریون پایه‌گذاری کرد و نظریه تمام رؤسای ستاد ارتش یا وزرای جنگی که تابع شرایط و ضوابط دکتربین جدیدی ارائه می‌دادند، بر این چهار رکن استوار بود و بر اساس این چهار رکن، خوانشی راهبردی از شرایط و اقتضائات زمانه به آن ضمیمه و راهبرد جدیدتری تعریف می‌شد. این چهار اصل عبارتند از: اصل اول بازدارندگی، به این معنا که رژیم باید از نظر نظامی چنان قدرتی داشته باشد که دشمنان او حتی جرئت فکر کردن به اینکه این رژیم را تهدید کنند به خود راه ندهند و این یعنی اصل تفوق نظامی بر دشمنان. اصل دوم، هشدار بود؛ به این معنا که اسرائیل به دلیل اینکه دچار فقدان عمق راهبردی بوده و مساحتش بسیار محدود و جغرافیایش طول و عرض بسیار محدودی داشته و عمق استراتژیک ندارد، برای جبران این خلأ باید اشراف برتری اطلاعاتی داشته باشد تا اگر کشورهای دیگر اراده کردند به اسرائیل حمله کنند قبل از اینکه بخواهند این تصمیم را محقق کنند، با پیش‌دستی اطلاعاتی، آمادگی‌های لازم را کسب کرده باشد. اصل سوم انتقال منطقه نبرد به قلمرو دشمن بود. اصل چهارم دفاع از شهروندان در مقابل حملات هوایی، موشکی و امثالهم بود. تمام جنگ‌های اعراب و اسرائیل بر اساس این دکتربین پیش رفت؛ مثلاً بر اساس اصل اول که بازدارندگی است و اصل سوم شاهد این بودیم که صهیونیست‌ها از راهبرد عملیاتی حملات برق‌آسا- شیوه جنگ ارتش آلمان نازی در جنگ جهانی دوم- بهره می‌برد که مبتنی بر سه اصل بود: ۱- توانمندی فوق‌العاده در آتشباری- چه به صورت توپخانه، چه به صورت نیروی هوایی - روی نیروهای دشمن و هم‌زمان پیشروی سریع و برق‌آسا از سوی نیروهای پیاده و زرهی. در اینجا ستون فقرات عملیات برق‌آسا را نیروهای زرهی تشکیل می‌دادند که در جنگ ۱۹۶۷، ۱۹۷۳ و اشغال لبنان در ۱۹۸۲ این راهبرد پیاده شد، راهبردی ثابت در رژیم صهیونیستی بود. اتفاقی که در این طوفان سهمگین رخ داد، این بود که هر چهار اصل دکتربین نظامی اسرائیل که میراث بن گوریون بود، دود شد و به هوا رفت و دیگر خبری از بازدارندگی به معنای آن برتری نیست و نه خبری از هشدار بود، نه خبری از انتقال نبرد به سرزمین یا قلمرو دشمن و نه خبری از دفاع از شهروندان در مقابل دشمن بود. روز نابودی دکتربین نظامی و دفاعی اسرائیلی‌ها بود که البته چندان دفاعی هم نبود و ماهیتاً تهاجمی بود و عملاً نابود شد.

به همراه این اتفاق شاهد فروپاشی ساختارهای عینی و ذهنی نظامی و امنیتی و دگرترین نظامی اسرائیل بودیم و هیمنه و تصویری که صهیونیست‌ها از ارتش و نیروهای اطلاعاتی و امنیتی‌شان ساخته بودند، فروپاشید. بر اساس آخرین نظرسنجی سالانه مؤسسه مطالعات امنیت ملی، سال ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ محبوب‌ترین نهادها در اسرائیل ارتش و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی بودند؛ اما امروز پرسشی که در میان صهیونیست‌ها فراگیر و در رسانه‌ها بازتاب پیدا کرده، این است که مقامات نظامی و امنیتی ما کجا بودند که چنین بلای عظیمی بر سر ما نازل شد؟ به قول تنایاهو در گفت‌وگو با بایدن، این بزرگ‌ترین بلایی بود که بر سر اسرائیلی‌ها بعد از هولوکاست آمد.

بر این موارد اضافه کنید وعده صادق ۱ و ۲ که باعث شد چند میلیون صهیونیست بارها و بارها به پناهگاه‌ها فرار کرده و خسارت زیادی به زیرساخت‌های نظامی و امنیتی رژیم وارد شود.

۴. چرا حماس و گروه‌های مقاومت فلسطین، عملیات طوفان الاقصی را انجام دادند تا اینکه اسرائیل غزه را به‌طور وحشیانه بمباران کند و انسان‌های بی‌گناه بسیاری به شهادت برسند؟

برای پاسخ عالمانه و منصفانه به این سؤال و شبهه و تحلیل دقیق از این رخداد، نیازمند نگاه تاریخی و روندشناسی تاریخی این رویداد هستیم. اساساً طرح یک سؤال و پاسخ دقیق به آن درباره چگونگی شکل‌گیری رژیم صهیونیستی و تأسیس دولت صهیونیستی در سرزمین فلسطین، از چرایی بنیادی و تاریخی عملیات طوفان الاقصی، پرده برمی‌دارد. درواقع با بررسی چگونگی تأسیس رژیم صهیونیستی با پشتوانه قدرت‌های خارجی مثل انگلیس و پیشینه تاریخی ظلم و ستم به مردم فلسطین در طول ۷۵ سال تصرف سرزمین فلسطینیان از سوی رژیم صهیونیستی و آواره کردن، شکنجه و کشتار فلسطینیان و کوچاندن اجباری آنها از سرزمین‌شان، بهتر می‌توان دلیل اجرای عملیات طوفان الاقصی را فهمید. در مدت ۷۵ سال از تأسیس رژیم صهیونیستی، همواره فلسطینیان در موضع دفاع در برابر اشغالگری بودند و همیشه در برابر تجاوزگری‌های آنها از خود دفاع می‌کردند. بنابراین این شبهه که فلسطینیان جنگ را آغاز کردند و اسرائیل از خودش دفاع می‌کند، به لحاظ ماهیت و پیشینه تاریخی تقابل و جنگ، گزاره و استدلال باطلی است. غزه از سال ۱۹۶۷ تا ۲۰۰۵ نیز برای مدت ۳۸ سال تحت اشغال رژیم صهیونیستی قرار داشت. از سال ۲۰۰۵ که نظامیان اسرائیلی مجبور شدند از باریکه غزه خارج شوند و کنترل آن در اختیار جنبش حماس قرار گرفت، غزه بیش از همه شاهد محاصره و جنگ بود. از سال ۲۰۰۵ تاکنون رژیم صهیونیستی جنگ‌های مکرری نیز علیه غزه انجام داده است که از جمله می‌توان به نسل‌کشی پنج‌روزه فوریه ۲۰۰۸، جنگ ۲۲ روزه ۲۰۰۸، جنگ ۸ روزه ۲۰۱۲، جنگ ۵۱ روزه ۲۰۱۴ و جنگ ۱۲ روزه ۲۰۲۱ اشاره کرد. گفتنی است، در جنگ ۲۰۰۸ معروف به جنگ ۲۲ روزه فقط ۱۳ نفر از رژیم صهیونیستی کشته شدند؛ درحالی‌که از مردم غزه بیش از ۱۳۰۰ نفر شهید و ۵۳۰۰ نفر زخمی شدند و در جنگ ۲۰۱۴ معروف به جنگ ۵۱ روزه ۶۸ نفر از رژیم صهیونیستی کشته شدند؛ ولی در آن جنگ بیش از ۲۰۰۰ نفر از مردم مظلوم فلسطین به شهادت رسیدند.

تفاوت جنگ اخیر آن است که گروه‌های مقاومت و به خصوص حماس در مقابل جنایت نزدیک رژیم صهیونیستی که آمادگی برای تهاجم همه‌جانبه به غزه بود، اقدام پیش‌دستانه داشتند.

بنابراین ۷۵ سال است که هزاران فلسطینی در جنایت‌های مختلف رژیم به شهادت می‌رسند و تقریباً هفته‌ای نبوده که یک فلسطینی قربانی اهداف شوم رژیم نشود. پس این جنایات از تشکیل رژیم صهیونیستی وجود داشته است و طوفان‌الاقصی صدای مردم فلسطین و آرمان آنها را به گوش جهان رساند.

۵. چرا کشورهای اسلامی در مقابل رژیم صهیونیستی متحد نمی‌شوند؟

از یک سو باید به نقش اختلافات سیاسی و ملی توجه کنیم. برخی کشورها و دولت‌های اسلامی بیشتر به منافع ملی خود توجه می‌کنند تا به منافع کلی جهان اسلام. این موضوع منجر به رقابت‌ها، تعارضات و حتی دشمنی‌هایی در درون جهان اسلام شده است. برخی کشورها به دنبال حفظ منافع و قدرت خود هستند و از اتحاد کلی مسلمانان در بسیاری از موارد چشم‌پوشی می‌کنند.

یکی از دلایل اصلی عدم وحدت نفوذ و دخالت خارجی در سست کردن وحدت میان کشورهای مسلمان نقش بازی می‌کند. قدرت‌های خارجی در طول تاریخ تلاش کرده‌اند تا از تفرقه میان کشورهای اسلامی بهره‌برداری کنند و حتی برخی از حکومت‌ها در کشورهای اسلامی مردم‌سالارانه نبوده و مردم مسلمان این کشورها نقشی در انتخاب آنها ندارند، این حکومت‌ها برای بقای خود به قدرت‌ها و بخصوص آمریکا وابسته‌اند، لذا تابعی از سیاست‌های آمریکا به حساب می‌آیند و بنابراین به سمت حرکت جدی حرکت نخواهند کرد.

بسیاری از کشورهای اسلامی طالب وحدت هستند اما ترس از اقدامات تلافی‌جویانه غرب و رژیم صهیونیستی آنها را محتاط کرده است.

در عین حال استفاده از منابع جهان اسلام توسط قدرت‌های خارجی عامل دیگری است که اتحاد جامعه اسلامی را خدشه‌دار کرده است. کشورهای قدرتمند جهانی به دنبال بهره‌برداری از منابع عظیم اقتصادی و طبیعی کشورهای اسلامی هستند. این امر با ایجاد و تقویت اختلافات و تفرقه میان مسلمانان آسان‌تر می‌شود. زمانی که جهان اسلام به جای اتحاد، درگیر اختلافات داخلی و منطقه‌ای است، این منابع به راحتی از دست مسلمانان خارج می‌شود.

اختلافات مذهبی و متأسفانه اقدامات تفرقه‌افکنانه در کشورهای اسلامی هم باعث شده با وحدت واقعی فاصله ایجاد شود. بنابراین آنچه که می‌تواند با تمام این مسائل وحدت را رقم بزند، آگاهی از دشمن مشترک است.

در نتیجه، جهان اسلام به دلیل نبود همبستگی سیاسی و استراتژیک، دخالت‌های خارجی و رقابت‌های ملی نتوانسته است به عنوان یک نهاد قدرتمند و متحد در صحنه بین‌المللی عمل کند. این در حالی است که اگر جامعه اسلامی یکپارچه و متحد عملی کند، می‌تواند ریشه رژیم منحوس و جانی صهیونیستی را از ریشه برکند و جهانی را از شرّ و جنون این قاتلان نجات دهد.

۶. چرا جمهوری اسلامی ایران به ترور شهید هنییه و پس از آن به گستاخی‌های رژیم در شهادت سید حسن نصرالله و سردار نیل‌روشان پاسخ دیر هنگام داد؟

بهترین پاسخ به این سوال را مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز جمعه نصر در تاریخ ۱۳ مهر فرمودند:

«کاری که نیروهای مسلح ما کردند، کمترین مجازات برای رژیم غاصب صهیونی در برابر جنایتهای حیرت‌آور آن رژیم بود؛ رژیم خون‌آشام، رژیم گرگ‌صفت و سگ‌هار آمریکا در منطقه. جمهوری اسلامی هر وظیفه‌ای در این زمینه داشته باشد، با قدرت و صلابت و قاطعیت انجام خواهد داد. ما در انجام این وظیفه، نه تعلل میکنیم، نه شتاب‌زده میشویم؛ تعلل نمیکیم، کوتاهی نمیکیم، دچار شتاب‌زدگی هم نمیشویم. آنچه منطقی است، آنچه معقول است، آنچه درست است، به نظر تصمیم‌گیران نظامی و سیاسی، در وقت خود، در هنگام خود انجام میگیرد؛ کما اینکه انجام گرفت و در آینده هم اگر لازم شد، باز انجام خواهد گرفت.»

در حقیقت ۲ مولفه اساسی اقدام انتقامی تمیز و موفقیت آمیز، عدم تعلل و تعجیل است. باید اقدامی صورت می‌گرفت که تنبیه مناسب برای رژیم صهیونیستی باشد و از سوی دیگر:

✓ سطح اقدام بسیار بزرگتر پذیرش عرف بین‌المللی نباشد.

✓ حامل پیام و هشدار برای رژیم باشد و چندین ملاحظه دیگر که اثبات می‌کند تعجیل اثربخشی انتقام را کاهش می‌داد.

از سوی دیگر به دلیل همزمانی ترور شهید هنیه با مذاکرات حماس با اسرائیل، هرگونه پاسخ غیر دقیق ایران به اسرائیل، ممکن بود ایران را به عنوان مقصر ادامه جنگ معرفی نماید. بنابراین انتخاب زمان مناسب برای پاسخ، امکان هرگونه بهره‌برداری سوء را از طرف مذاکره‌کننده اسرائیلی گرفت. چه آنکه ایالات متحده، مصر و قطر در روزهای بعد از ترور شهید هنیه بیانیه مشترکی در مورد مذاکرات آتش‌بس در نوار غزه و آزادی گروگان‌ها صادر کردند که در این بیانیه آمده بود که گفت و گوها سازنده و جدی بوده و در فضایی مثبت انجام شده است و ایالات متحده با حمایت قطر و مصر پیشنهادی را ارائه کرده است که شکاف بین دو طرف (اسرائیل و حماس) را کاهش می‌دهد. چه آنکه نمایندگی ایران در سازمان ملل در مورد اینکه آیا ایران می‌خواهد پاسخ به اسرائیل را تا گفت‌وگوهای را تا هفته‌های آتی درباره آتش‌بس غزه به تعویق بیندازد، تصریح کرده: «برقراری آتش‌بس پایدار در غزه اولویت ما است؛ هر توافقی که حماس بپذیرد، مورد قبول ما هم خواهد بود.

در نهایت یک دلیل دیگر بر فاصله بین ترور هنیه و وعده صادق در پاسخ تفاوت اساسی اهداف عملیات وعده صادق ۲ با عملیات وعده صادق ۱ بود، با این توضیح که: در عملیات اول هدف نمایش قدرت و نشان دادن اراده مستحکم نظام در اعمال قدرت و شکستن هیمنه پوشالی دشمن بود اما در وعده صادق ۲ با توجه به اینکه اولاً اتفاق بزرگتری علیه ما واقع شده بود آن هم شهادت مهمان بلندپایه در تهران در ثانی به خاک ایران و به مرکز خاص نیروهای مسلح در قلب پایتخت تجاوز شده است، بنابراین باید اقدامی موثر و دردناک علیه دشمن صورت می‌گرفت و نه پاسخ تعجیلی، غیر موثر که در وضع و عملکرد دشمن تغییری ایجاد نکند

دشمن انتظار داشت ایران پاسخ قبلی را تکرار کند و او با خط آتش پدافندی که این بار چند برابر تقویت شده بود حمله را مهار کرده و توانمندی ما را به سخره بگیرد!

بر همین اساس سبب تاخیر در پاسخ تکمیل تمهیدات لازم و برطرف نمودن نقاط ضعف فنی عملیات وعده صادق یک برای پاسخی قاطع، موثر و غافلگیرکننده بوده است

به حول و قوه الهی پس از رعایت ملاحظات فنی و میدانی لازم نیروهای مسلح به فرمایش رهبر معظم انقلاب بدون تعلل و به دور از هیجان و شتابزدگی اقدام به اجرای عملیات درخشان وعده صادق دو نمودند.

۷. آیا تاخیر در پاسخ به ترور شهید هنیه از سوی جمهوری اسلامی، سبب تحریک و گستاخی بیشتر رژیم صهیونیستی برای ترور فرماندهان حزب الله شد؟

این سوال با این پیش فرض ذهنی برخی از افراد مطرح می شود که اگر جمهوری اسلامی ایران اقدامی علیه رژیم انجام می داد، بازدارنده از ترور فرماندهان مقاومت و بخصوص سید حسن نصرالله می شد.

این پیش فرض اشتباه است چرا که شرایط رژیم صهیونیستی به گونه ای است که در هر سطحی و در هر زمانی جمهوری اسلامی ایران و محور مقاومت پاسخ می داد، بازدارنده نبود در توضیح باید گفت که رژیم صهیونیستی در شرایط بحرانی موجودیتی قرار گرفته است و خود را در مسیر نابودی می بیند از هیچ اقدامی فروگذار نمی کند؛ بنابراین بازدارندگی برای زمانی است که طرف مقابل در نهایت حداقلی از مزیت را برای خود در شرایط آتش بس ببیند؛ در صورتی که رژیم صهیونیستی در چنین وضعی قرار ندارد و پس از طوفان الاقصی خود را در معرض نابودی می بیند. موضوعی که سران رژیم هم بدان اعتراف کرده اند. نتانیاهو در گفتگو با نشریه تایمز گفته است: ما با طناب مرگی روبه رو هستیم که ایران می خواهد آن را بر گردن ما بگذارد، و من فکر می کنم پیامی که می فرستیم این است که اسرائیل، گوسفند قربانی برای ایرانی ها و نیابتی های آنها نیست. بنابراین اقدامات رژیم صهیونیستی از روی ابتکار نبوده بلکه دست به هر اقدامی می زند تا از غرق شدنش جلوگیری کند.

۸. آیا فرماندهان علی رغم اشارات صریح رهبری مبنی بر تنبیه متجاوز، دچار رخوت و محافظه کاری شده و یا اینکه صدور فرض جهاد برای امت اسلامی از سوی رهبری معظم انقلاب به معنای ناامیدی ایشان از اقدام فرماندهان و دولتمردان در حمایت از جبهه مقاومت می باشد؟

کیست که نداند فرماندهان نیروهای مسلح مطیع محض ولایت بوده و هستند و این را با نثار جان خود اثبات کرده اند و در واقع این موضوع حتی به ذهن ایشان خطور هم نمی کند!

این سوالات را کسانی مطرح می کنند که اندک آشنایی از دستورات حکیمانه و هوشمندانه ابلاغی ندارند، چرا که نوع دستورات در شرایط پیچیده و بسیار دشوار فعلی به گونه است که باید مقدمات آن به شکلی حساب شده و دقیق محقق شود تا اقدامات موثر واقع گردد، بنابراین عوامل اجرایی میدان با شجاعت و اطاعت بی چون و چرا و به دور از احساسات و هیجانات بدون ذره ای تردید و تعلل اقدام می نمایند.

بدانیم نیروهای مسلح برای اجرای امر ولی سر از پا نمی شناسند و دل در جای دیگری ندارند تا با امر ایشان مماشات کنند.

شهید نیلفروشان در لبنان و در کنار سید حسن نصرالله به شهادت می‌رسد و این از مظلومیت فرماندهان است که لحظه‌ای میدان را رها نکرده اند اما موج تخریب رسانه‌های معاند و برخی داخلی‌ها علیه ایشان می‌شود.

بهترین گواه بر اطاعت محض و شجاعت و حضور در میدان فرماندهان سپاه نشان فتح فرمانده معظم کل قوا به سردار حاجی زاده به دلیل انجام عملیات وعده صادق ۲ بود.

فراموش نکنیم برای اقدام نظامی و امنیتی مسائل سری و به کلی سری وجود دارد که مقامات امنیتی نمی‌توانند آن را برای مردم بازگو کنند و نمی‌شود انتظار داشت که همگان لحظه به لحظه از تصمیم‌گیری‌ها در این سطح مطلع باشند، چون در این صورت این اطلاعات بارزش به دست دشمن هم می‌رسد و اقدام را بی‌اعتبار می‌سازد. لذا عدم آگاهی از این مقدمات باعث تصورات اشتباه شده است.

۹. آیا تذکر رهبر معظم انقلاب مبنی بر «عذاب الهی در صورت عقب‌نشینی غیر تاکتیکی در مقابل دشمن» خطاب به مسئولان و فرماندهان نظامی در تأخیر به پاسخ به خواخواهی اسماعیل هنیه بوده است؟ در صورت منفی بودن پاسخ، ابعاد این تذکر رهبری را تشریح نمایید؟

اینکه منظور مقام معظم رهبری (مدظله العالی) در مورد عقب‌نشینی غیر تاکتیکی، تعلل در پاسخ به ترور شهید هنیه از سوی فرماندهان و مسئولان بوده این سخن درست نیست. عقب‌نشینی غیر تاکتیکی "عبارتی است که رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) مردادماه امسال در جمع دست‌اندرکاران کنگره شهدای کهگیلویه و بویراحمد در کنار "عقب‌نشینی تاکتیکی" مطرح کردند.

اگر در فیلم سخنان ایشان دقت شود رهبر معظم انقلاب (مدظله العالی) بحث را با جنگ روانی در عرصه نظامی آغاز می‌کنند و می‌فرمایند: «نتیجه این جنگ روانی ترس و عقب‌نشینی است که غضب الهی را در پی دارد». ایشان سپس برای تکمیل منظور خود مواردی چون عرصه‌های تبلیغاتی و اقتصادی را نیز اضافه می‌کنند؛ بنابراین تصور شباهت بین فضای بعد از ترور شهید هنیه با عقب‌نشینی غیر تاکتیکی اشتباه است. در اینجا عقب‌نشینی غیر تاکتیکی یعنی مقهور عملیات نظامی و یا روانی دشمن و انصراف انتقام بود؛ در صورتیکه وعده صادق ۲ ثابت کرد که جمهوری اسلامی ایران نه تنها برنامه داشته است بلکه عملیاتی دقیق را طراحی و در موعد خود به اجرا گذاشت.

۱۰. آیا عامل تأخیر پاسخ جمهوری اسلامی به رژیم صهیونیستی، دولت پزشکیان بوده است؟

بر اساس توصیه و هشدار مقام معظم رهبری، پاسخ به رژیم صهیونیستی بلافاصله پس از ترور اسماعیل هنیه از سوی نهادهای بالادستی تصویب و ابلاغ شده و نحوه و زمان اجرای آن به نهادهای ذی ربط (به طور خاص سپاه پاسداران انقلاب اسلامی) واگذار شده بود.

به طور طبیعی فاصله ترور شهید هنیه و پاسخ به رژیم صهیونیستی ناشی از عوامل و شرایط متعددی بوده است از جمله مسایل مربوط به مرحله جابجایی دولت و تشکیل دولت جدید و نیز مراسم راه پیمایی اربعین و همچنین سنجش شرایط خاص

داخلی و منطقه و وضعیت میدان و معادلات که به طور طبیعی مستلزم زمان کافی بوده است. مقام معظم رهبری هم در نماز جمعه تاریخی فرمودند ما در پاسخ تعلل نمی کنیم، اما شتابزده هم عمل نمی کنیم.

از این منظر نمی توان گفت دولت پزشکیان عامل تاخیر بوده است، زیرا دولت در چنین مواردی تابع فرامین و مصوبات مافوق بوده و ملزم به همکاری در اجرای مصوبه است. حتی اگر دولت (اعم از رئیس جمهور یا وزرا) از جنبه نظری ملاحظه یا حتی مخالفتی داشته باشد، تنها می تواند به ارائه نقطه نظرات خود در پروسه رایزنی های مربوط به نحوه و زمان اجرا در شورای عالی امنیت ملی بپردازد و در اصل تصمیم گیری دخیل نمی باشند.

از طرفی مواضع آشکار دولت و تصریحات مقامات دولتی از جمله رئیس جمهور در حمایت از پاسخ به دشمن و نیز تحرکات دیپلماتیک مانند سفر اخیر آقای عراقچی وزیر خارجه کشورمان به لبنان و سوریه در شرایط حساس کنونی، حاکی از همسویی دولت با گفتمان مقاومت و راهبرد کلان نظام می باشد.

طبعاً در چنین شرایطی زمزمه های چند صدایی و شکاف در حاکمیت بیش از هر چیز ساخته و پرداخته عملیات روانی دشمن بوده و تنها به اهداف اسرائیل کمک خواهد کرد.

در پاسخ به دشمن و در اجرای عملیات وعده صادق دو نیروهای مسلح با هیچ گونه مانع داخلی از طرف دولت مواجه نبوده اند، تصمیم عملیات به موقع و با قاطعیت در شورای عالی امنیت ملی به ریاست رئیس جمهور اتخاذ، امضاء و به نیروی عمل کننده ابلاغ شده است.

چند نکته کوتاه در خصوص دولت چهاردهم:

- این دولت تا به امروز درخصوص منطقه و پشتیبانی از مقاومت در مقام سخن و عمل خوب عمل کرده است که نمونه اخیر آن سفر رئیس جمهور به قطر و حضور شجاعانه وزیر خارجه در لبنان و سوریه بوده است

- برنامه دشمن پس از بر سرکار آمدن دولت جدید دشمن دوقطبی سازی و ایجاد اختلاف در جامعه و احیای بحث حاکمیت دوگانه است، همچنین برهم زدن ارتباط حسنه ما با همسایگان از راهبردهای دشمن است؛!

بدانیم:

قوی ترین سلاح دشمن در این روزها نه بمب های سنگر شکن، بلکه بمب های باور شکن مجازی است که باید از خود و دیگران مراقبت نمائیم.

۱۱. وقتی همه فرماندهان حزب الله شهید شده اند، آیا حزب الله توان عملیاتی خود را از دست نداده است؟

درست است که حزب الله با شهادت برخی از کادر مرکزی خود و در راس آنها دبیر کل حزب الله، شهید والامقام سید حسن نصرالله، ضربه سختی از جنبه روانی و سازمانی متحمل شده است؛ اما این امر به معنای خلل در سازمان و ماموریت های حزب الله نیست و یک دلیلش آن است که در مرحله پس از ترور، حزب الله همچنان به عملیات های خود اعم

از شلیک موشک به اسرائیل و یا نبرد زمینی در جنوب لبنان ادامه داده و این عملیات‌ها همچنان استمرار دارد. این انعطاف سازمانی و آمادگی میدانی حزب الله ناشی از چند عامل مهم است:

تجارب طولانی و حضور در جنگ و بحران‌های متعدد (به ویژه جنگ ۳۳ روزه و جنگ سوریه) و نیز قدرت سازمانی بالای حزب الله که در شرایط خلا کادر، قادر به بازسازی و جبران کادر خود بوده و در نتیجه قدرت عملیاتی و رزمی و نیز مدیریت میدانی این حزب دچار آسیب جدی نمی‌شود. در واقع حزب الله در روند بیش از ۴۰ ساله خود به کادرسازی فعال بر اساس سلسله مراتب خوشه‌ای اقدام نموده و با از میان رفتن یک فرمانده و مسئول، نفر بعدی جایگزین او می‌شود.

امتداد اجتماعی و وجود پایگاه مردمی گسترده و عمیق حزب الله که عامل اقتدار و بقای آن در سخت‌ترین شرایط شده و به رغم شکاف سیاسی درونی جامعه لبنان و وجود جریان‌های سیاسی معارض، اما اکثریت جامعه و بسیاری از احزاب و گروه‌ها همراه حزب الله بوده و بلکه در شرایطی که این حزب در اثر حملات وحشیانه و ناجوانمردانه دشمن آسیب دیده است، همراهی و همبستگی آنها بیشتر شده است. به طور طبیعی پشتوانه اجتماعی موجب ترمیم آسیب‌های روانی و ایجاد روحیه در پیکره حزب الله شده و اراده آن را در ادامه نبرد تقویت خواهد کرد.

رویکرد اعتقادی و ایدئولوژیک حزب الله که برخاسته از تفکرات ناب شیعه و ولایت‌مداری سران و عناصر این سازمان است، از جمله عوامل مهم پایداری و دوام حزب الله شده و به طور خاص فرهنگ جهاد و شهادت به این حزب روحیه و توان مضاعف بخشیده است. طبق تجربه همانطور که برای مثال خون رهبرانی چون شیخ راغب حرب و سید عباس موسوی عامل بالندگی و پیشرفت حزب الله شد، خون سید حسن نصرالله و همراهانش همچون فؤاد شکر و ابراهیم عقیل و دیگران نیز شوک تازه‌ای به حزب الله در تداوم این راه و مقابله با رژیم متجاوز صهیونیستی خواهد بخشید.

۱۲. آیا حمله ۷ اکتبر حماس که ریشه این بحران‌ها است اشتباه نبود؟ آیا طراحی صهیونیست‌ها نبود؟

۱ - کاری که حماس کرده در قالب دفاع معنادهی می‌شود، نه در قالب حمله و تجاوز، یعنی شما وقتی که خانه‌تان اشغال شده فقط منتظر یک فرصت هستید برای بازپس‌گیری؛ کسانی که مدعی می‌شوند حماس نباید این کارو می‌کرد، در مقابل باید از ایشان پرسید که راه حل شما چیست؟ برای حل مسئله فلسطین و خروج فلسطین از دست غاصبان، راه شما چیست؟ مذاکره است؟ از قرارداد از اسلو، قرارداد مادرید، شرم‌الشیخ، کمپ دیوید مذاکراتی هستند که به بن بست رسیده‌اند. حتی بحث دو کشوری که ما آن را قبول نداریم هم به بن بست رسیده، بنابراین راه حل مساله فلسطین با کارهایی که رژیم صهیونیستی و غرب انجام می‌دهد هیچ راهی جز مبارزه باقی نمی‌گذارد، مبارزه هم یعنی همین، هر جا فرصتی گیر آوردی دشمن را غافلگیر کنی؛ بنابراین ایراد زمانی به حماس وارد است که شما بتوانی جایگزین از نظر حل مساله فلسطین داشته باشید و بگویید حماس، راه دیگری را می‌توانست انتخاب نماید.

۲ - سعودی‌ها قرار بود وارد معامله با صهیونیست‌ها شوند چون اینها یک مرجعیتی در جهان عرب دارند که اگر اینها با صهیونیستها همراه می‌شدند حداقل ۱۰ کشور عربی را با خودشان می‌بردند. و در واقع حماس با این کار بزرگ، بازی را به هم زد و شما همه می‌بینید و اوباما هم گفت که این کار بازی توافق را به هم زد ۳- علاوه بر آن فلسطینی‌ها آزادی اسرایشان

با مذاکره به هیچ وجه امکان نداشت، بنابراین اسیر گرفتند (که هنوز بخشی از آنان را دارند) که با مذاکره بخشی از اسرایشان را از چنگال رژیم صهیونیستی در آورند

در نهایت باید گفت که با توجه به اینکه طوفان الاقصی رژیم صهیونیستی را در مسیر نابودی قرار داده و افسانه هلوکاست را بعد از ۷۵ سال از دست داد و در مبارزه با گروه‌های مقاومت، بنا به فرمایش مقام معظم رهبری به ۷۵ سال قبل برگشته و در بدترین شرایط عمر نکبت بار خود است، نمی توان گفت که رژیم طراحی را انجام داده است تا به این فصاحت ییافتد!

۱۳. رهبری فرمودند بر همه فرض است که به حزب الله کمک کنند، چرا جمهوری اسلامی ایران کاری نمی کند؟

اشتباه برداشت کنندگان این است که این بیانات رهبری معظم انقلاب را محصور در دولت جمهوری اسلامی دانستند. درحالیکه مقام معظم رهبری طبق اصل ۵۷ و ۱۱۰ قانون اساسی هم فرماندهی کل قوا هستند و هم هماهنگ کننده سه قوه هستند، و فرض ایشان ربطی به دولت ندارد.

درواقع دولت در ساختار سیاسی و حکومتی می تواند دستور بدهد و موضوع را به شورای امنیت ملی ارجاع داده تا آنها تصمیم بگیرند. سپس برای برای رهبری فرستاده و ایشان تأیید، یا کم یا زیاد کنند.

فرض از واجب است حالت فتوایی دارد که خارج از عرصه قدرت و حکومت نیست که خود مقام معظم رهبری مدیریت می کنند. منظورش همه مسلمانان دنیا است مثلاً فرض کنید که شیعیان عراق که ثروتی دارند یا مکتبی دارند می توانند کمک کنند و حرف آقا برایشان موضوعیت دارد و گوش می دهند و شیعیان لبنان و مسلمانان هر جای غرب آسیا و شمال آفریقا که کمک مالی کمک تسلیحاتی کمک عاطفی که هر جور می توانند کمک کنند حتی مردم ایران را هم می شود گفت که فرض برای آنان است.

دولت و نیروهای مسلح موضعشان با مقام معظم رهبری طوری نیست که ایشان بیایند و در فضای عمومی بیانیه بدهند که فرض است مسئولیت مستقیم دارند و آنها هم باید اطاعت پذیری مستقیم دارند و ما هم خلافتش را ندیدیم بنابراین مسئله «فرض» را نباید رأی کارهایی که در ساختار حکومتی می شود انجام داد در اشل حکومتی با فرمان حکومتی در سلسله مراتب حکومتی این را نباید اینجا معنا کنیم

۱۴. آیا با وجود تحولات و التهابات خاورمیانه امکان بروز جنگ جهانی سوم وجود دارد؟

با آن که شرایط منطقه به شدت بحرانی و ملتهب است و هیچ گونه تلاش جدی بین المللی برای توقف ماشین جنگی اسرائیل صورت نمی گیرد، اما بسیاری از ناظران و تحلیلگران، بروز جنگ جهانی سوم و حتی شعله ور شدن جنگ فراگیر در سطح منطقه را بسیار بعید می دانند. دلیل این گزاره در امور زیر خلاصه می شود:

قدرت های جهانی و منطقه ای هیچ تمایلی به گسترش جنگ ندارند و حتی آمریکا به عنوان حامی اصلی اسرائیل بارها از این رژیم خواسته که با تشدید جنگ و خشونت زمینه ساز جنگ فراگیر نشود.

رژیم صهیونیستی با گذشت یک سال از جنگ در غزه با حماس و شمال با حزب الله دچار فرسایش شده و قادر به برافروختن جنگ فراگیر نیست و حتی در شرایط کنونی به رغم تهدید و رجزخوانی جرات حمله گسترده زمینی به لبنان را ندارد.

با توجه به آثار مخرب و پیامدهای منفی جنگ جهانی یا جنگ فراگیر در منطقه، نیروهای تأثیرگذار جهانی اعم از افکار عمومی، رسانه ها، سازمان ها و گروه های ضدجنگ، نهادهای ذی ربط بین المللی اعم از حقوقی و سیاسی و... مخالف سرسخت هر گونه جنگ بوده و برای پیشگیری از آن تلاش لازم را انجام می دهند.

وجود سلاح های کشتار جمعی و تسلیحات متعارف پیشرفته در شرق و غرب جهان و مولفه هایی چون جنگ الکترونیک، هوش مصنوعی و... هر گونه جنگ احتمالی جهانی را تبدیل به یک کابوس وحشتناک خواهد کرد که نتایج آن بسیار فاجعه بار و احتمالاً جبران ناپذیر خواهد بود، بنابراین بعید است که حتی جنگ افروزان عالم به سمت چنین جنگی حرکت کنند و یا برای آن زمینه سازی کنند.

۱۵. آیا تاخیر ایران در پاسخگویی مناسب به رژیم صهیونیستی به واسطه ضعف پدافندی و نگرانی از طولانی شدن جنگ بوده است؟

ادعای «ضعف پدافندی ایران» و مسائلی از این قبیل هم با توجه به پیشرفت های قابل توجهی که جمهوری اسلامی در حوزه های دفاعی و نظامی دارد و کشورهای غربی، آمریکا و رژیم صهیونیستی هم بر آن اذعان دارند، قابل قبول نیست. با توجه به اینکه جمهوری اسلامی همیشه در معرض تهاجم های خارجی بود و تجربه هشت سال جنگ تحمیلی را دارد و همواره از سوی رژیم صهیونیستی تهدید شده است و نسبت به قابلیت های نظامی رژیم هم اشراف کامل دارد، لذا طبیعی است در وضعیتی که همیشه احتمال اقدامات نظامی خارجی به اشکال مختلف وجود دارد، در عرصه های پدافندی و دفاع هوایی خود را به روز، مجهز و مدرن نگه دارد و در این زمینه هزینه کند که با توجه به اطلاعات و گزارشاتی که در این زمینه از سوی محافل داخلی و خارجی وجود دارد، جمهوری اسلامی ایران یکی از کشورهای پیشرفته به شمار می رود. در همین رابطه به این نکته هم باید توجه داشت که در تحولات چند ماه اخیر درگیری میان یکی از برترین قدرت های موشکی جهان و یکی از برترین قدرت های پدافندی جهان یعنی آمریکا و رژیم صهیونیستی است، و بدون شک آمریکایی ها نیز با تمام توان در دفع حمله به صهیونیست ها کمک می کنند. به همین منظور انتخاب تاکتیک صحیح و طراحی بی نقص عملیات برای دستیابی به حداکثر اهداف نیاز است. فراموش نکنید بهترین پاسخ همیشه سریع ترین یا قوی ترین پاسخ نمی باشد، بلکه بهترین پاسخ اثرگذارترین و کم هزینه ترین پاسخ است در خصوص ابهامی که درباره طولانی شدن جنگ مطرح می شود هم باید تأکید کرد جمهوری اسلامی اگرچه به دنبال جنگ نیست و در طول تاریخ هم شروع کننده هیچ جنگی نبوده اما در مواجهه با نقض امنیت و تمامیت ارضی و عبور کشورهای متخاصم از خطوط قرمز امنیت ملی، چنین ملاحظاتی را کمتر مورد توجه قرار می دهد چرا که از نظر ایران هیچ چیز مهم تر و بالاتر از امنیت ملی و تمامیت ارضی و امنیت شهروندانش نیست.

۱۶. عملیات تروریستی اسرائیل علیه دبیرکل حزب الله با عنوان «نظم جدید» منطقه ای صورت گرفته است. اهداف رژیم نامشروع صهیونیستی از نامگذاری مذکور چیست و این نظم جدید چه ویژگی هایی دارد؟

واقعیت امر این است که در آغاز قرن جدید (قرن بیست و یکم)، فرامتن و چارچوبی تحت عنوان "خاورمیانه جدید" از سوی نومحافظه کاران دولت وقت آمریکا، یعنی دولت جرج واکر بوش طراحی شد که اشغال افغانستان و عراق در بطن آن به فعلیت رسید. در حالی که استراتژیست‌های هر دو حزب جمهوریخواه و دموکرات این چارچوب را پذیرفته و در راستای تحقق آن تلاش می‌کردند، شاهد تبلور عزم و غیرت مثال زدنی گروه‌های مقاومت در صیانت از امنیت منطقه در برابر این چارچوب و راهبرد کلان و خطرناک بودیم. نقطه پایان طرح "خاورمیانه جدید"، شکست داعش در عراق و سوریه و ناتوانی غرب در تثبیت موقعیت تروریست‌های تکفیری وابسته به خود و رژیم صهیونیستی در گلوگاه‌های مهم جغرافیایی و استراتژیک منطقه بود. پس از شکست طرح و چارچوب خاورمیانه جدید، استراتژیست‌های دشمن ناچار به واژه‌سازی و به عبارتی گویاتر، "بسترسازی راهبردی" دوباره‌ای جهت پیشبرد اهداف شوم خود در منطقه غرب آسیا شدند. از آن زمان، کلید واژه "نظم جدید" در اتاق‌های فکر آمریکا و رژیم اشغالگر قدس خلق شد که مبتنی بر چندین مؤلفه است: نخستین مؤلفه این چارچوب جدید، لزوم تسلط گفتمان سازش بر گفتمان مقاومت و هدایت افکار عمومی جهان اسلام حول این مسئله است. دومین پیش شرط تحقق این چارچوب راهبردی خطرناک، خلع سلاح مقاومت از طریق ایجاد بحران‌های مزمن و دنباله دار امنیتی-نظامی در منطقه است. سومین پیش شرط تحقق این چارچوب نیز مهار حداکثری جمهوری اسلامی ایران از طریق خلق منازعات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی و تضعیف مواضع ایران در این جنگ ترکیبی است. از زمان وقوع عملیات طوفان الاقصی تاکنون، هر سه پیش شرط تحقق چارچوب "نظم جدید" آمریکا و شبکه وابسته به آن در منطقه، به چالش کشیده شد و جایی برای تنفس راهبردی دشمنان در منطقه باقی نگذاشت. در همین راستا، واشنگتن و تل‌آویو تصمیم گرفتند از طریق ترور دبیر کل فقید و شهید حزب الله لبنان، معادلات رهبری را در حزب الله لبنان و جبهه مقاومت دستخوش تغییرات کلان نموده و مناسبات جاری در منظومه عملیاتی و گفتمانی که به صورت خاص پس از جنگ غزه در منطقه و حتی جهان شکل گرفته بود را مخدوش نمایند. با این حال، عزم حزب الله لبنان در بازبانی توان رهبری، نظامی و امنیتی خود منتج به تداوم پیروزی‌های میدانی مقاومت لبنان (خصوصاً در مهار دشمن صهیونیستی در جنوب لبنان) و متعاقباً، اتصال قوی‌تر و پیوسته‌تر اضلاع جبهه مقاومت با یکدیگر شد. بدون شک "نظم جدید" در منطقه غرب آسیا به زودی رقم خواهد خورد، اما نه با قرائت و شیوه‌ای که آمریکا و رژیم اشغالگر قدس خواستار تحقق آن هستند! این نظم جدید، بر اساس محوریت گفتمان مقاومت و تبلور قدرت همه اضلاع ان‌شاءالله رقم خورده و بار دیگر، دشمن را وادار به پذیرش شکست راهبردی دیگری خواهد کرد.

۱۷. با توجه به آسیب جدی به شورای رهبری حزب الله طی چند روز اخیر این پرسش مطرح میشود که چرا رژیم صهیونیستی طی یکسال جنگ مستمر علیه حماس نتوانسته آسیبی در این سطح به شورای رهبری حماس وارد سازد ولی حزب الله در بازه زمانی کمتر آسیب بیشتری پیدا کرده است. دلیل این آسیب پذیری بیشتر نسبت به حماس چیست؟

پاسخ به این سؤال را قبل از هر چیز باید در تفاوت میان حماس یا جهاد با حزب الله جستجو کرد. اگرچه هر دو جزو محور مقاومت هستند و برای یک هدف و آرمان می‌جنگند، اما یک تفاوت اساسی میان این دو وجود دارد. حماس یک گروه مقاومت کوچک است که ابعاد چریکی تری دارد و فعالیت‌های نظامی‌اش هم با توجه به اینکه در فلسطین اشغالی و در محاصره رژیم صهیونیستی جریان دارد، طبیعی است که تا حدی زیادی همراه با ملاحظات شدید امنیتی، پنهان‌کاری،

زیرزمینی و به دور از چشم دشمن صورت بگیرد. این در حالی است که حزب الله چون تا حدی خارج از تیررس رژیم قرار دارد و تشکیلات آن نیز در داخل لبنان است و فعالیت‌ها و تشکیلات آن هم تا حدودی آشکارتر است و تقریباً به استثنای برخورداری از نیروی هوایی و دریایی، شبیه ارتش‌هاست بنابراین طبیعی است که در نبرد مستقیم با رژیم صهیونیستی که در داخل لبنان هم از عناصر نفوذی بهره می‌برد، طرف مقابل می‌تواند به مواضع و پایگاه‌ها و فعالیت‌های آن اشراف داشته باشد. ضمن اینکه وضعیت اقتصادی و سیاسی فعلی لبنان هم که حزب الله نمی‌تواند آن را نادیده بگیرد و یا خارج از منافع ملی لبنان عمل کند، همانند حماس اجازه درگیری تمام عیار یا مطلوب حزب الله را نمی‌دهد کما اینکه این تشکیلات برخلاف حماس از داخل و بیرون تحت فشار شدید است تا درگیری‌ها از حد کنترل شده خارج نشود که این مسأله می‌تواند مورد بهره‌برداری رژیم صهیونیستی قرار بگیرد.

۱۸. آیا ایران بر سر حزب الله و جبهه مقاومت با دشمن معامله نموده و آنها را فدای خود کرده است؟

دشمن در کنار حملات و ضربات میدانی به انجام جوسازی و تبلیغات دروغین با هدف اعمال فشار روانی بر ایران و جبهه مقاومت روی آورده و به زعم خود در صدد ایجاد شکاف در پیکره مقاومت می‌باشد. از جمله این عملیات‌های روانی، سخنان بنیامین نتانیاهو نخست وزیر جنایتکار رژیم صهیونیستی است که خطاب به مردم ایران مدعی شده بود هدف ما نظام است و به شما کاری نداریم و آزادی شما نزدیک است!

دلیل کذب این ادعا این است که مولفه اصلی اقتدار محور مقاومت و کانون آن یعنی جمهوری اسلامی ایران، گروه‌های مقاومت به ویژه حزب الله هستند و هر گونه معامله بر سر این گروه‌ها به منزله خودزنی و تهی سازی قدرت درونی مقاومت است که سال‌ها برای آن هزینه شده و خون‌های زیادی نثار آن شده است.

از طرفی، مواضع قاطعانه جمهوری اسلامی ایران طی ۴۶ سال گذشته حاکی از پایداری بر سر مبانی و اصولی است که گفتمان انقلاب اسلامی را تشکیل داده و اگر قرار بر عقب نشینی و معامله بود، چنین کاری سال‌ها پیش انجام می‌شد که ایران و مقاومت هنوز به اقتدار و توانمندی کافی نرسیده بوده و در معرض فشارهای بیشتری بودند.

بیانات صریح رهبر معظم انقلاب اسلامی در نماز جمعه اخیر نیز تاکید مجددی بر ادامه حمایت جمهوری اسلامی ایران از محور مقاومت و عدم تنازل از اهداف و آرمان‌های انقلاب و مقاومت در شرایط دشوار کنونی و حوادث تلخ اخیر بود.

بخش عمده‌ای از فشارهای سیاسی، اقتصادی، تحریم، خرابکاری و ... که سال‌هاست علیه جمهوری اسلامی جریان دارد، به خاطر حمایت تمام عیار ایران از مقاومت اسلامی به خصوص حزب الله لبنان است. اگر قرار بر معامله بر سر حزب الله بود که جمهوری اسلامی ایران این همه هزینه در قبال آن نمی‌داد و در مقابل درخواست‌های چندین ده ساله آمریکا و غرب به ویژه در سال‌های اخیر که با طرح برجام ۲ و ۳ و منطقه‌ای رفع تحریم را منوط به دست کشیدن از گروه‌های مقاومت و حزب الله کرده‌اند، حاضر به مذاکره می‌شد.

۱۹. از ۷ اکتبر به این سو توان ایران ضعیف تر شده یا اسرائیل؟

در پاسخ به این سوال توجه به نکات ذیل حائز اهمیت است، این نکات به مقایسه بین ایران و اسرائیل پس طوفان القصی می‌پردازد.

۱- در بعد امنیتی، بعد از عملیات طوفان القصی حتی یک گلوله به سمت مرزهای ایران شلیک نشده اما در مقابل روزانه موشک‌های فراوانی به سمت سرزمینهای اشغالی شلیک می‌شود و این خود نشان دهنده ناامنی در سرزمینهای اشغالی و در نقطه مقابل امنیت در مرزهای ایران اسلامی است

۲- در بعد نظامی از ۷ اکتبر به اینطرف نزدیک به ۲۰۰۰ نفر از نظامیان صهیونیستی کشته و به هلاکت رسیده‌اند، در مقابل تعداد شهدای نظامی ایران به کمتر از ۵۰ نفر می‌رسد. ۳- در حوزه گردشگری، بدترین موقعیت برای اسرائیل بعد از ۷ اکتبر به وجود آمده اما در این حوزه، ایران یکی از مقاصد گردشگری جهانی در سال ۲۰۲۳ و ۲۰۲۴ بوده و نسبت به سالهای گذشته پیشرفت چشم‌گیری داشته است. ۴- در حوزه جمعیتی بعد از عملیات طوفان القصی با خروج صهیونیست‌ها از سرزمینهای اشغالی دولت اشغالی صهیونیستی با بحران شدید مهاجرت معکوس روبه‌رو بوده است.

سازو کار تصمیم‌گیری شورای عالی امنیت ملی چگونه است؟ آیا نقش رئیس‌جمهوری به عنوان رئیس شورای امنیت ملی کشور در تایید و یا وتوی تصمیمات اعضای شورا برای اقدام نظامی و یا سازش تعیین‌کننده می‌باشد؟

شورای عالی امنیت ملی، نهادی حاکمیتی و نه دولتی محسوب می‌شود که مسئولیت صیانت از خطوط راهبردی کلان کشور را در قبال تحولات جاری در منطقه و نظام بین‌الملل را با تصمیماتی که در قبال پدیده‌ها و رخدادهای گوناگون می‌گیرد، بر عهده دارد. اگرچه رئیس‌جمهور ریاست این شورا را به لحاظ حقوقی عهده‌دار است، اما این مسئله به معنای "مشارکت" و نه "تسلط" دولت بر تصمیمات نظام است. به عنوان مثال، در جریان بررسی احیای توافق هسته‌ای در اواخر دولت دوازدهم (دولت دوم آقای روحانی) در سال ۱۳۹۹، با وجود اصرار خاص رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه وقت بر احیای برجام به هر قیمت ممکن، شورای عالی امنیت ملی این تصمیم را نپذیرفت و در نهایت، خطوط قرمزی از جمله "لزوم راستی آزمایی"، "لزوم ارائه تضمین‌های اصولی، فنی و اعتباری" و "لزوم مختومه شدن رسمی پرونده موسوم به موارد ادعایی در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی" مورد توجه و تصدیق شورای عالی امنیت ملی قرار گرفت. این قاعده در قبال حوادث و موضوعات به مراتب حساس‌تر و مهم‌تری مانند جنگ غزه و امنیت کشور عزیزمان، پررنگ‌تر است. در جریان ترور شهید اسماعیل هنیه در ایران، شورای عالی امنیت ملی در همان اولین جلسه خود (پس از شهادت ایشان)، واکنش صریح و عملیاتی نسبت به این واقعه را به تصویب رساند و اجرای این تصمیم به نهادهای ذی‌ربط و عامل در روند انتقام ارجاع داده شد. بنابراین، در عین آنکه مواضع افراد و گروه‌های مختلف سیاسی در شورای عالی امنیت ملی به بحث و گفت‌وگو گذاشته می‌شود، اما خطوط قرمز امنیتی، ماهوی و راهبردی کشور در این روند به اندازه‌ای پررنگ هستند که اساساً اجازه تخطی از آنها به واسطه حضور در راس جایگاه‌های اجرایی مانند ریاست‌جمهوری، وزارت امور خارجه و ... نمی‌شود. نظارت رهبر حکیم و فرزانه جمهوری اسلامی ایران بر تصمیمات شورای عالی امنیت ملی و تعیین فرامتن و بستری که تصمیمات باید در آن اتخاذ شود از سوی معظم له، مولد اطمینان نسبت به تصمیمات اتخاذ شده در این شورا است. در جریان عملیات وعده صادق ۲ نیز این روند به خوبی طی شد و در نهایت، به نتیجه مطلوب، تاثیرگذار، عینی و پشیمان‌کننده‌ای علیه دشمن

صهیونیستی منتج شد. این همان تبلور قاطعیت و درایتی است که در خطبه‌های نماز جمعه اخیر رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز به آن اشاره شد.

۲۰. آیا این رویکرد تحلیلی مبتنی بر ترک جنگ و مناقشه و یا ترس از افتادن در تله جنگ تأثیری بر تأخیر در اقدام ایران برای خونخواهی و تنبیه متجاوز داشته است؟

قبل از هرگونه پاسخ به این سؤال باید ابتدا تأکید کرد، القای تصویر «شکاف‌های داخلی در ایران برای پاسخ دادن به ترور شهدای مقاومت» و همچنین «دست خالی ایران» برای پاسخگویی به جنایت تروریستی صهیونیست‌ها فاقد مبانی عقلانی، منطقی و ... است. اولاً بحث پرونده فلسطین و رژیم صهیونیستی جزو پرونده‌ها و مسائل کلان سیاست خارجی ایران است بنابراین تصمیم‌سازی درباره ماهیت و چگونگی کنش‌گری جمهوری اسلامی در این خصوص در اختیار رهبر معظم انقلاب و نهادهای بالادستی از جمله شورای عالی امنیت ملی است که دولت هم جزوی از آن است. در این چهارچوب باید گفت واکنش ایران به ترور شهید هنیه و سایر مستشاران نظامی و همچنین دبیرکل حزب‌الله لبنان و موارد مشابه به طور مطلق در اختیار دولت نیست، اگرچه دولت در این خصوص یک نهاد مؤثر است اما تصمیم نهایی با آن نیست. ثانیاً همانطور که رهبر معظم انقلاب اسلامی هم در خطبه‌های نماز جمعه تأکید فرمودند در این‌گونه موارد جمهوری اسلامی شتاب‌زده عمل نمی‌کند در نتیجه اتخاذ راهبرد مقابله‌ای و واکنش در یک فضای کاملاً عقلانی و منطقی و به دور از هرگونه هیجان و یا اثرپذیری از فضا سازی‌های رسانه‌ای و ... صورت می‌گیرد. ثالثاً طرح این‌گونه موضوعات که ایران به خاطر نیفتادن در تله جنگ یا پرهیز از جنگ منطقه‌ای پاسخ نمی‌داد هم با عملیات موشکی اخیر ایران عملاً موضوعیت خود را از دست داد چرا که اگر این فرضیه درست بود جمهوری اسلامی ایران هرگز به سمت پاسخ نظامی نمی‌رفت، کمااینکه در پاسخی هم که داد، تمام ملاحظات منطقه و مقاومت و واکنش‌های آتی رژیم صهیونیستی لحاظ شد.